



❖ جمع بندی بحث تنجیم:

از آنچه تا کنون خواندیم (مقدمات بحث / ادله تحریم / بحث از اینکه آیا اصل تأثیر قابل قبول است) می توان چنین نتیجه گرفت:

➤ (یک) در حوزه اعتقاد:

✓ (الف) اگر کسی معتقد باشد، ستاره ها نوعی ربوبیت دارند و علت تامه حوادث زمینی هستند، و این اعتقاد به نوعی مشعر به نفی ربوبیت خدای سبحان باشد، این کفر است. شیخ انصاری این قول را از سید مرتضی، اعلامه در منتهی، شهید در قواعد، محقق کرکی در جامع المقاصد^۴ و شیخ بهایی نقل می کند.

صاحب جواهر بر این مطلب نوعی ادعای اجماع مسلمین دارد:

«لا نزاع بین الأمة فی أن من اعتقد أن الكواكب هی المدبّرة لهذا العالم و هی الخالقة لما فیه من الحوادث و الخیرات و الشرور، فإنه یكون كافراً علی الإطلاق.»^۶

توضیح:

علی الإطلاق یعنی هم اعتقاد او کفرآمیز است و عمل او کفر است.

شیخ انصاری از ابن ابی الحدید هم نقل می کند که این مطلب در نزد اهل سنت هم چنین است.^۷ توجه شود که در این قول فرق نمی کند که فرد، ستاره ها را تنها علت تامه بداند و یا شریک خدا، و یا خدا را فاعل خیرات بداند و ستاره ها را فاعل شرور.

✓ (ب) اگر کسی معتقد باشد که خدای عالم موجود است ولی امور عالم را به ایشان تفویض کرده است.

۱. رسائل شریف مرتضی، ص ۳۱۰.

۲. المنتهی، ج ۲، ص ۱۰۱۴.

۳. القواعد و الفوائد، ج ۲، ص ۳۵.

۴. جامع المقاصد، ج ۴، ص ۳۲.

۵. الحدیقة البهائیه، ص ۱۳۹.

۶. بحار، ج ۸۵، ص ۳۰۸.

۷. شرح نهج البلاغه، ج ۶، ص ۲۱۲.



ظاهراً این گروه هم همانند گروه اول هستند.

✓ (ج) اگر کسی معتقد است که ستاره ها در حالیکه مختار هستند آثاری را پدید می آورند ولی علت اصلی خداست، (یعنی ستاره ها مثل آلت و ابزاری برای خدا هستند به علاوه اینکه شعور، حیات و اختیار هم دارند).

مرحوم شیخ این گروه را کافر بر نمی شمارد، اگرچه قول به کفر ایشان را به مجلسی نسبت می دهد. شیخ این سخن مجلسی را چنین توجیه می کند که کسی که چنین اعتقادی دارد منکر ضروری است:

«و قد تقدم عن المجلسي رحمه الله: أن القول بكونها فاعلة بالإرادة والاختيار وإن توقف تأثيرها على شرائط أخر كفر و هو ظاهر أكثر العبارات المتقدمة.

و لعل وجهه أن نسبة الأفعال التي دلت ضرورة الدين على استنادها إلى الله تعالى كالخلق و

الرزق و الإحياء و الإمامة و غيرها إلى غيره تعالى مخالف لضرورة الدين.»^۱

البته تردیدی نیست که این سخن و مبنا باطل است ولی در اینکه به کفر منجر شود تردید است.

✓ (د) اگر کسی معتقد است که ستاره ها دارای شعور و حیات و اختیار نیستند ولی همانند علیتی که برای آتش نسبت به سوزاندن دارد، آنها هم دارای علیت هستند.

مرحوم شیخ انصاری، «قول به کفر ایشان» را به ظاهر کلمات بسیاری از فقها نسبت می دهد.^۲

مرحوم شیخ سپس اشاره می کنند که:

اولاً: ترتب سوختن بر آتش دائمی است در حالیکه در ستاره ها چنین نیست.

و ثانياً: بر فرض که هم این ترتب همیشگی باشد:

«ثم على تقديره، فليس فيه دلالة على تأثير تلك الحركات في الحوادث، فلعل الأمر بالعكس،

أو كلتاهما مستندتان إلى مؤثر ثالث، فتكونان من المتلازمين في الوجود.»^۳

مرحوم شیخ سپس می نویسند:

«و بالجمله، فمقتضى ما ورد من أنه «أبي الله أن يجرى الأشياء إلّا بأسبابها» كون كل حادث

مسبباً. و أما أن السبب هي الحركة الفلكية أو غيرها، فلم يثبت، و لم يثبت أيضاً كونه مخالفاً

۱. كتاب المكاسب (للشيخ الأنصاري، ط - الحديثية)؛ ج ۱، ص ۲۱۶.

۲. همان، ص ۲۱۹.

۳. همان.

لضرورة الدين.^۱

مرحوم شیخ هم‌چنین می‌گویند ظاهر عبارت فقها در اینکه این طایفه از منجمین کافر هستند، فرقی نگذاشته است، بین اینکه:

- (۱) منکر صانع باشند.
- (۲) منکر خدا نیستند ولی می‌گویند ستاره‌ها قدیم هستند و خدا امور را به آنها واگذار کرده است (تعطیل خدا از تأثیر)
- (۳) منکر خدا نیستند ولی می‌گویند ستاره‌ها حادث هستند و خدا بعد از خلق آنها، امور را به آنها واگذار کرده است (تعطیل خدا از تأثیر)
- (۴) منکر خدا نیستند، بلکه ستاره‌ها را تابع اراده خدا می‌دانند و می‌گویند آنها مطابق اراده الهی و مانند وسیله‌ای که در اختیار ندارند. [مثل علیت آتش برای سوزاندن]
- (۵) منکر خدا نیستند و ستاره‌ها را تابع اراده خدا می‌دانند ولی می‌گویند ستاره‌ها اراده دارند ولی این اراده در طول اراده الهی است.

«ثم لا فرق فی أكثر العبارات المذكورة بین رجوع الاعتقاد المذكور إلی إنکار الصانع جلّ ذکره كما هو مذهب بعض المنجمین و بین تعطيله تعالی عن التصرف فی الحوادث السفلیة بعد خلق الأجرام العلویة علی وجه تتحرک علی النحو المخصوص، سواء قیل بقدمها كما هو مذهب بعض آخر أم قیل بحدوثها و تفویض التدبیر إلیها كما هو المحکی عن ثالث منهم و بین أن لا یرجع إلی شیء من ذلك، بأن یعتقد أن حركة الأفلاک تابعة لإرادة الله، فهي مظاهر لإرادة الخالق تعالی، و مجبولة علی الحركة علی طبق اختیار الصانع جلّ ذکره کالآلة أو بزيادة أنها مختارة باختيار هو عین اختیاره، تعالی عما یقول الظالمون.»^۲

البته مرحوم شیخ انصاری، در کفر دو دسته چهارم و پنجم تشکیک می‌کنند ولی می‌گویند:

۱. همان، ص ۲۲۰.

۲. همان، ص ۲۱۲.



سه گروه اول کافر هستند و نه به منزله کافر، ولی دو گروه چهارم و پنجم، به منزله کافر هستند (یعنی در آتش جهنم هستند ولی کافر حقیقی نیستند). و روایت «المنجم کالکافر» را به این دو گروه بر می گردانند.^۱

✓ ه) اگر کسی معتقد باشد که ستاره ها دارای روح مقدس هستند و نزد خدا شفاعت می کنند، چنین اعتقادی کفر نیست.

✓ و) اگر کسی اعتقاد داشته باشد که حرکات ستاره ها فقط علامت برای حوادث زمینی است. مرحوم شیخ می نویسند چنین اعتقادی را کسی کفر نمی داند.^۲ ما در بررسی اینکه «آیا اصل تاثیر نجوم قابل قبول است» فی الجمله گفتیم که چنین تاثیری در روایات پذیرفته شده است.



۱. همان.

۲. همان، ص ۲۲۱.